



زن در نگارگری دوره مغول تا قاجار: نمادپردازی، نقش، نحوه حضور، جایگاه

مریم کشمیری^۱، عاطفه تکرار^۲

۱- استادیار گروه نقاشی، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء (س) (نویسنده مسئول)

۲- دانشجوی کارشناسی رشته نقاشی، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء (س)

چکیده

حضور زنان در دوران‌های مختلف و تاثیرگذاری ایشان در جوامع گوناگون بنا به شرایط متفاوت حکومتی و اجتماعی، همواره با قوت و ضعف، حمایت یا مخالفت همراه بوده است؛ در کنار شواهد تاریخی که آشکارا این تفاوت‌ها را بیان می‌کند، نقاشی‌های برجای مانده از هر دوره نیز بیان بصری این ناهمبندی‌ها هستند. در این مقاله می‌کوشیم شیوه بازنمایی زنان در آثار هنری ایران را در ادوار مغول تا قاجار با نگاه به نقش اجتماعی زنان و نمادپردازی‌های مرتبط با آن‌ها بررسی کنیم. نگارنده با هدف شناسایی اوضاع عمومی زنان طی سده‌های هفتم تا سیزدهم هجری، به آثار تصویری و بعضاً ادبی این دوران مراجعه کرده است. نمادپردازی‌های موجود در تصاویر نقاشی شده، که اکثراً برگرفته از آثار ادبی هستند، به نوعی اوضاع و رویدادهای حقیقی این دوران را می‌نمایانند. در ابتدا در دوران مغول، زنان درباری نقش موثری در پیش-برد اوضاع حکومتی داشته اند اما رفته رفته در دوران صفوی از میزان این تاثیرگذاری کم شد و در دوران قاجار زن بیش از آن که نقش موثری در حکومت و اجتماع داشته باشد به یک ابژه جنسی بدل شد. تفکیک جنسی در محیط‌های درباری بیش از اجتماعات عمومی و در میان عامه مردم وجود داشته است؛ از این رو شاید بتوان گفت برابری مقام زن و مرد در میان عوام بیشتر از دربار بوده است. شیوه تحقیق در این پژوهش بنیادین، توصیفی-تحلیلی است که با گزینش آثار شاخص تصویری هر دوره، به شرح مباحث پرداخته است. شیوه گردآوری اطلاعات از نوع کتابخانه‌ای می‌باشد و نحوه تحلیل آن‌ها بر شیوه کیفی تمرکز دارد.

واژگان کلیدی: نگارگری ایران، تعریف زن، تصویر زن، زنان اشراف، زنان غیر اشراف